

چکیده:

این پایان نامه درباره نقش ارش در حقوق جزا می باشد. قاعده ارش از جمله قواعد فقهی و حقوقی است که در جامعه جزایی امروز دچار چالش می باشد و در نتیجه بحث بر انگیز بوده و سوالات زیادی پیرامون آن مطرح است. از مشکلات مطرح در این قاعده نبود تعریفی جامع از قاعده ارش و تبیین ماهیت آن و همچنین فقدان شیوه مشترک برای تعیین ارش در موارد مشابه است. طبق تحلیل و بررسی های انجام گرفته، باید گفت: «ارش در خسارت وارده بر انسان تفاوت قیمت عضو سالم و معیوب است که، نوع و مقدار آن در شرع معین نشده است.» همچنین بر اساس نظر اکثر فقهای برجسته، برای برخی از اعضاء و جوارح بدن آدمی که دیه معینی وجود ندارد، حاکم وظیفه دارد برای عضو صدمه دیده ارش تعیین نماید. در این زمینه آیت الله خویی (ق س) در تکمله المنهاج می فرماید: «هر جنایتی که دیه مقدر و معینی برای آن شرعا در نظر گرفته نشده باشد جانی باید ارش بپردازد اگر عمدی یا شبه عمد باشد، اما اگر خطای محض باشد عاقله جانی باید ارش بپردازد و تعیین ارش بعد از مراجعه و کسب نظر عدول مومنان می باشد.» افزون بر این مطلب، امروزه یکی از مشکلات محاکم، تعیین ارش خصوصا تعیین مقدار خسارت وارده بر عضو و تعیین مبلغ ربالی آن است. تشخیص صدمه و تعیین مقدار ارش عضو، کاری فنی میباشد که نیاز به اظهار نظر کارشناس پزشکی دارد که در این پایان نامه به بررسی مسائل و مشکلات فوق الذکر پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: دیه، حقوق کیفری، خسارت مدنی، ارش، فقه

فهرست مطالب

۱	مقدمه
	فصل اول - کلیات
۶	مبحث اوّل: واژه‌شناسی و تعاریف
۶	گفتار اوّل: واژه‌شناسی
۶	۱-۱-۱- ارش در لغت
۸	۱-۱-۲- دیه در لغت
۱۰	۱-۱-۳- حکومت در لغت
۱۰	گفتار دوم: تعاریف
۱۰	۱-۲-۱- ارش در اصطلاح
۱۱	۱-۲-۱-۱- ارش در باب معاملات
۱۲	۱-۲-۱-۲- ارش در باب دیات
۱۴	۱-۲-۱-۲-۱- دیه در اصطلاح
۱۵	۱-۲-۱-۳- حکومت در اصطلاح
۱۸	۱-۲-۲- نتیجه و اظهار نظر نهایی
۱۹	مبحث دوم: پیشینه‌ی ارش و دیه
۱۹	گفتار اوّل: پیشینه‌ی ارش و دیه قبل از اسلام
۱۹	۱-۱-۲-۱- دیه و ارش در نظام حقوق روم
۲۰	۱-۲-۱-۲- دیه و ارش در نظام حقوقی ایران باستان
۲۲	۱-۲-۱-۳- دیه و ارش نزد عرب جاهلیت
۲۳	۱-۲-۱-۴- دیه و ارش در آیین‌های یهودیت و مسیحیت
۲۵	گفتار دوم: پیشینه ارش و دیه بعد از اسلام
۲۷	۱-۲-۲-۱- ارش و دیه در دوره تشریح
۲۹	۱-۲-۲-۲- ارش و دیه در دوره‌ی تفریح
۳۱	مبحث سوم: ماهیت و مستندات ارش

۳۱	گفتار اول: ماهیت ارش
۳۲	۱-۳-۱- آیا ارش مجازات تلقی می‌شود یا خیر؟
۳۴	۱-۳-۱-۲- ارش نوعی خسارت مالی
۳۶	۱-۳-۱-۳- نظریه تلفیقی
۴۰	گفتار دوم: مستندات قاعده ارش
۴۰	۱-۳-۱-۲- روایات
۴۱	۱-۳-۲-۲- قاعده ضمان به اتلاف
۴۲	۱-۳-۲-۳- اجماع
	فصل دوم: ویژگی های ارش و نحوه تعیین آن
۴۵	مبحث اول: مقایسه ارش با نهادهای مشابه
۴۵	گفتار اول: تفاوت ارش با دیه
۴۸	۱-۱-۲- عدم تداخل ارش با دیه
۵۱	۱-۲-۲- شباهت ارش و دیه
۵۳	گفتار دوم: مقایسه ارش با حکومت
۵۵	گفتار سوم: مقایسه ارش با نسبت سنجی
۵۷	گفتار چهارم: مقایسه ارش با کفاره
۵۹	۱-۲- نتیجه و اظهار نظر نهایی
۶۱	مبحث دوم: نحوه تعیین ارش
۶۱	گفتار اول: نحوه تعیین ارش از دیدگاه فقهی
۶۱	۱-۲-۱- شیوه محاسبه ارش در فقه امامیه
۶۳	۱-۲-۲- شیوه محاسبه ارش از نظر فقهای عامه
۶۷	گفتار دوم: نحوه تعیین ارش از دیدگاه حقوقی
۶۹	۱-۲-۲- معیارها و شرایط تعیین ارش
۷۰	۱-۲-۲- ضوابط تعیین ارش در قانون مجازات اسلامی
۷۱	۱-۲-۲- حد و اندازه ارش
۷۲	۱-۲-۲-۴- نظام کلی جبران صدمات بدنی در کشورهای غربی و اسلامی
۷۴	گفتار سوم: مسائل متفرقه در باب ارش

- ۷۴ ۲-۲-۳-۱- طرفین در ارش
- ۷۵ ۲-۲-۳-۲- زمان ارزیابی ارش
- ۷۶ ۲-۲-۳-۳- مهلت پرداخت ارش
- ۷۷ ۲-۲-۳-۴- جوانب عدالت و ردّ کارشناسان

فصل سوم: قلمرو دیه، ارش و حکومت

- ۸۰ مبحث اول: دیه
- ۸۱ گفتار اول: انواع جراحات و مقادیر دیه
- ۸۱ ۳-۱-۱- انواع جراحات
- ۸۳ ۳-۱-۲- مقادیر دیه
- ۸۶ ۳-۱-۳- قلمرو دیه
- ۸۷ گفتار دوم: موارد کاربردی در باب دیه
- ۸۷ ۳-۱-۲- آیا بزه کار تنها باید دیه یا ارش پردازد؟
- ۸۸ ۳-۱-۲- اصل تفاوت دیه زن با مرد
- ۹۲ مبحث دوم: قلمرو ارش و حکومت
- ۹۳ گفتار اول: تعیین ارش اعضایی که قابل نسبت سنجی است
- ۹۳ ۳-۲-۱- ارش مو
- ۹۶ ۳-۲-۱- ارش چشم
- ۹۸ ۳-۲-۱- ارش گوش
- ۱۰۰ ۳-۲-۱- ارش بینی
- ۱۰۱ ۳-۲-۱-۵- ارش دهان
- ۱۰۴ ۳-۲-۱-۶- ارش دست و پا
- ۱۰۶ ۳-۲-۱-۷- ارش ستون مهره‌ها
- ۱۰۷ ۳-۲-۱-۸- ارش نشیمنگاه
- ۱۰۸ ۳-۲-۱-۹- ارش پستان
- ۱۰۹ گفتار دوم: ارش منافع عضو
- ۱۰۹ ۳-۲-۱- ارش عقل

۱۱۰	۲-۲-۲-۳- ارش شنوایی و تکلم
۱۱۱	۳-۲-۲-۳- ارش بینایی
۱۱۲	۴-۲-۲-۳- ارش بویایی و چشایی
۱۱۳	۵- ۲-۲- ۳- ارش پوست
۱۱۴	۶- ۲- ۲-۳- ارش زوال منافع
۱۱۵	گفتار سوم: ارش اعضای داخلی و غیر ظاهری
۱۱۵	۳- ۲- ۳- ۱- ارش قلب و عروق
۱۱۶	۳- ۲- ۳- ۲- ارش دستگاه گوارش و اندام های شکمی
۱۱۷	۴- ۳- ۲- ۳- ارش رحم و پروستات
۱۱۷	۳- ۲- ۳- ۵- ارش البکاره
۱۱۷	۳- ۲- ۳- ۵- ۱- تبیین ارش البکاره
۱۲۰	۳- ۲- ۳- ۵- ۲- نحوه تعیین ارش البکاره
۱۲۱	گفتار چهارم: حکومت
۱۲۴	جداول ارش و حکومت
۱۳۶	نتیجه گیری
۱۳۹	فهرست منابع
۱۴۵	چکیده انگلیسی

مقدمه

در علم حقوق قانون‌گذار تمامی واقعیت‌ها را بیان نمی‌دارد، بدین شرح که قانون‌گذار در مورد تمامی مسائل قانون وضع نمی‌نماید و در نتیجه در مورد مسائل حقوقی بیان نشده با تشتت آراء مواجه می‌شویم و یا این که عبارات قانون به ظاهر نقصی ندارد ولی برای بیان حکم نارسا است یعنی از واژه‌هایی استفاده شده که از آن چند معنی متعارض استنباط می‌گردد که می‌گوییم قانون مجمل است. حال یکی از مسائل مهم امروز جامعه اسلامی، جبران خسارت و ضرر بدنی است که مراد از آن هر گونه آسیب و صدمه‌ای است که بر تمامیت جسمی شخص وارد گردد و از آنجا که جنایت بر اعضا و منافع آدمی متعدد و تنها دیه برخی جنایت‌ها در شریعت تعیین شده است، طبق قاعده ارش در سایر جنایت‌ها باید جبران این ضرر را با توجه به نظر کارشناس و صدور حکم توسط حاکم مبلغی به مجنی علیه پرداخت گردد، بنابراین در هر جنایتی که دیه آن در شرع تعیین نشده باشد باید ارش پرداخت گردد که در این تحقیق سعی گردیده به بررسی ارش و نحوه تعیین آن از لحاظ فقه، حقوق و بیان قلمرو آن پرداخته شود.

برای جبران خسارت وارده بر انسان در فقه و حقوق شیوه‌های مختلفی تعیین شده است، یکی از آن شیوه‌ها ارش می‌باشد. مفهوم اصطلاحی ارش و تفاوت آن با دیه بین فقهاء و حقوق دانان محل اختلاف است.

به علاوه از نظر اجرایی، امروزه تعیین ارش یکی از مشکلات نظام قضایی و اجرایی می‌باشد، در این پایان نامه پس از تبیین مفهوم ارش و واژه‌های نزدیک به آن مشکلات علمی و کاربردی مورد پژوهش و تحقیق قرار خواهند گرفت، بر این اساس در تحقیق پیش رو سؤالات زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

سوال های اصلی :

- ۱ - ماهیت ارش از منظر فقهی، حقوقی و قانونی چیست؟
- ۲ - مشکلات اجرایی قضایی، تعیین و محاسبه ارش کدام است؟

فرضیه‌ها

- ۱ - ماهیت ارش از دیدگاه فقهاء محل اختلاف است و برخی آن را دیه غیر مقدر دانسته و از دیدگاه حقوقی نیز معنی روشن و کاملی ندارد و در قانون به تفاوت صحیح و غیر صحیح تعبیر شده است.
- ۲ - گر چه امروزه اصولاً کارشناس و خبره، ارش را تعیین می‌کند ولی کارشناسان نیز معیار و ضابطه معینی برای تعیین ارش و سنجش میزان خسارت وارده ندارند و لازم است با تصویب قوانینی کارشناسی شده و تنظیم آئین نامه‌های دقیق این مشکل مرتفع شود.

سابقه و پیشینه تحقیق

تحقیقات و بررسیهای انجام گرفته در حوزه مباحث ارش نشان می‌دهد از آنجائی که از نخستین مراحل پیدایش حیات اجتماعی انسان خسارت جسمی و جانی و نحوه جبران آن مورد توجه بوده است؛ در دوره صدور قوانین اسلامی به بیان دیه پرداخته شده است. البته باید گفت در قرآن کریم ذکری از ارش به میان نیامده اما به علت اینکه اساساً دیه و ارش دو عنوان مرتبط به هم می‌باشند و در کلام و روایات ائمه معصومین(ع) استعمال گشته است، فقها به استنباط مقررات آن پرداخته و در کتب مختلف فقهی همچون شرح لمعه، تکملة المنهاج، جواهر الکلام و ... به بیان احکام، مصادیق و شیوه تعیین آن پرداخته شده است و به تدریج به قوانین حقوقی ما راه یافته‌اند.

اما قابل ذکر است که با توجه به اینکه کتب فقهی موجود در این زمینه اکثراً به زبان عربی می‌باشند و کتب و مقالات با این عنوان به ندرت به چشم می‌خورد و با توجه به اطلاعات اینجانب از پژوهش‌های انجام شده در این مورد کاری جدی و جامع با این عنوان صورت نگرفته و جای بحث و بررسی بیشتری در این زمینه، با توجه به اینکه برخی از شیوه‌های بیان شده در کتب فقهی در عصر حاضر امکان پذیر نیست، می‌باشد.

ضرورت انجام تحقیق

امروزه با درگیر شدن نظام‌های دینی با اندیشه‌های بشری در همه صحنه‌های زندگی از جمله فرهنگ، سیاست، اقتصاد، روابط بین الملل، حقوق و ... بحث و تحقیق پیرامون آن‌ها امری لازم و ضروری است. از جمله آن‌ها تحولی است که در نظام حقوقی ایران خصوصاً حقوق کیفری بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به وجود آمد و مفاهیم جدیدی را به عرصه حقوقی کشاند که از شرع مقدس اسلام برگرفته است

و جایگزین مفاهیم قبلی گردیده که ارزش یکی از آنهاست، بنابراین لازم است با جستجو در منابع فقهی و حقوقی به آگاهی و معرفت در این زمینه دست یافت.

اهداف و کاربردها

در این تحقیق به تبیین مفهوم ارزش و مفاهیم مشابه آن پرداخته شده و مستندات این قاعده فقهی از نظر فقهای امامیه و عامه بررسی گردید و به شیوه‌های محاسبه ارزش از منظر فقها پرداخته، همچنین به نقاطی مشترک بین فقها و حقوقدانان اسلامی است یافتیم و مبانی مشترکی احراز گردید، زیرا که دستیابی به یک تعریف جامع و واحد از قاعده ارزش و همچنین ارائه شیوه‌ای مناسب برای تعیین ارزش که کار محاکم را در راستای دستیابی به آرای یکسان در موارد مشابه آسان کند از اهداف این پایان نامه می باشد. علاوه بر این، از آنجائیکه در راستای تعیین مقدار ارزش، محاکم با مشکلات اجرایی و قضایی روبرو می باشند در این پایان نامه سعی شده با ارائه شیوه، الگو و روش‌هایی واحد که در موارد مشابه به کار برده شود، به حل معزل اختلاف آرا در محاکم و همچنین اختلاف بین کارشناسان پزشکی قانونی و قضات و رسیدن به یک وحدت رویه در این موضوع کمک کرده و راه گشایی از لحاظ علمی و کاربردی در راستای مشکلات اجرایی و قضایی این قاعده باشد.

روش انجام تحقیق

در این پایان نامه تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می باشد که از منابع کتابخانه‌ای، کتب، مجلات، و در قسمتی از آن از نرم افزارهای موجود از جمله معجم الفقهی استفاده گردیده است.

فصل اول

کلیات

مبحث اول: واژه‌شناسی و تعاریف

گفتار اول: واژه‌شناسی

۱-۱-۱- ارش^۱ در لغت

تعاریف متعددی از ارش شده است که پرداختن به آنها فرصت زیادی می‌طلبد، به همین جهت ما در اینجا به تبیین مفهوم ارش و بیان تفاوت آن با مفاهیم دیگری که پیوند تنگاتنگی با آن دارند همانند دیه و حکومت می‌پردازیم.

در ترجمه‌ی المنجد ذیل ماده «ارش» نوشته است: «ارش بینهم» یعنی بعضی از آنها را بر بعضی دیگر برانگیخت.^۲ و در جای دیگر «بینهما ارش» دیده می‌شود که به معنی میان آن دو خصومت و اختلاف و نیز نقصان پیدا شود می‌باشد، زیرا که آن نقصان سبب ارش و خصومت است و به عبارتی دیگر به معنی «آنچه که مشتری از بایع می‌گیرد بعد از اطلاع پیدا کردن به عیب در مبیع»^۳ همچنین خلیل در العین آورده است: «و الارش، الدیة»^۴ و جوهری در کتاب الصحاح گفته است: «الارش: دیة الجراحات»^۵ به این معنا که اگر شخصی بر دیگری جرحی وارد کند باید دیه‌ی آنرا بپردازد نام چنین دیه‌ای ارش می‌باشد، از این عبارات چنین برداشت می‌شود که بر دیه نفس ارش اطلاق نمی‌گردد. همچنین در کتاب قاموس الفقهاء نقل شده است که ارش عبارت است از (دیه) می‌توان گفت این معنی مطلق بوده و شامل دیه‌ای که در مقابل قتل نفس نیز گرفته می‌شود می‌گردد.^۶ در جای دیگر ابن منظور گفته: «اصل الارش الخدش، ثم قيل لما يوخذ ديه لها، ارش و اهل الحجاز يسمونه النذر»^۷ معنای اصلی ارش، خدش یا خراش است، آنگاه به آنچه که به عنوان دیه خراش گرفته می‌شود ارش گفته شده که اهل حجاز آنرا «نذر» می‌نامند.

۱. Compensation

- ۲- مصطفی رحیمی اردستانی، ترجمه المنجد، چاپ دوم (تهران: انتشارات صبا، ۱۳۸۰ش)، ۱، ۱۱
- ۳- عبدالرحیم ابن عبدالکریم صفی پور، منتهی الارب فی لغة العربی، (تهران: انتشارات کتابخانه سنایی، ۱۳۹۷)، ۱ و ۲، ۲۰
- ۴- عبدالرحمن الخلیل ابن احمد القراهیدی، العین، چاپ دوم (عراق: دارالسؤن الثقافية العامة، ۱۹۸۶م)، ۶، ۱۱۶
- ۵- اسماعیل جوهری، الصحاح فی اللغة و العلوم، چاپ اول (بیروت: دارالحضارة العربیة، ۱۹۷۴م)، ۱، ۱۹
- ۶- سعدی ابو حبیب، قاموس الفقهاء، (بیروت، انتشارات دارالفکر، ۱۴۲۴)، ۱، ۱۹
- ۱- جمال الدین محمدابن مکرم ابن منظور الافریقی المصری، لسان العرب، چاپ اول (بیروت: دارصادر، ۱۴۱۰)، ۶، ۲۶۳

در کتاب مجمع البحرین آمده است: «و الارش اصله الفساد و هو ما يأخذه المشتري من البايع و اذا اطلع على عيب في المبيع و منه اروش الجنایة لأنها جابري لنقص»^۱.

در معانی دیگر نیز ارش به عنوان دیه، تاوان، خونبها، زخم و جزا نیز آمده است،^۲ و فعل ارش به معنای «به او دیه داد است»^۳ می باشد.

در آخر می توان گفت که جمع ارش، اروش می باشد و در مورد نقص بر اعیان نیز استعمال شده است. هر چند که این واژه در قرآن کریم دیده نمی شود اما در احادیث نبوی بارها به کار رفته است؛^۴ که با ملاحظه این روایات شاید بتوان چهار مصداق کلی از آن استنباط کرد که به شرح ذیل می باشند:

الف - ارش عیب: که عبارت است از ما به التفاوت قیمت مبیع در دو حالت سالم و معیوب.^۵

ب - دیه معین شرعی: در چند روایت ارش در معنای دیه معین شرعی استنباط شده است که از آن جمله روایتی از امام صادق (ع) می باشد که می فرماید: «قضى امیرالمؤمنین (ع) فی اللطمة يسود أثرها لی الوجه ان ارشها سته دنانیر، فان لم يسود و احضرت فان ارشها ثلاثة دنانیر، فان احمارت و لم تخضاز فان ارشها دینار و نصف»^۶ امیرالمؤمنین، علی (ع) ارش سرخ شدن صورت و کبود شدن و سیاه شدن آنرا به ترتیب یک و نیم دینار، سه دینار و شش دینار قرار داده است.

ج - میزان حاصل از نسبت سنجی در دو حالت سلامتی و عدم سلامتی مجنی علیه: این معنا شبیه معنای اول است ولی برخلاف آن که در مورد اموال است این معنا در مورد جنایت بر انسان است.

د - دیه غیرمعین شرعی: در برخی از روایات ارش به معنای دیه غیرمعین به کار رفته است که از آن جمله روایتی است که ابی بصیر از امام صادق (ع) نقل نموده است که می فرمایند: «ان عندنا الاجامعة، قلت: و ما الجامعة؟ قال: صحیفه فیها کل حلال و حرام و کل شیء یحتاج الیه الناس حتی الارش فی

۱ - فخرالدین محمد طریحی، مجمع البحرین، چاپ دوم، (تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۳۶۵)، ۱، ۸.

۲ - آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، چاپ چهارم (تهران: نشر نی، ۱۳۸۳)، ۸.

۳ - مصطفی رحیمی اردستانی، ۱۱.

۴ - دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل «ارش».

۵ - احمد حاجی ده آبادی، قواعد فقه دیات، چاپ اول، (تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴)، ۲۰۷.

۶ - محمد بن الحسن حر عاملی، وسایل الشیعه، (قم: انتشارات مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۴ق)، ۱۹، ۱۰۴.

الخدش ...^۱ «امام صادق (ع) می فرمایند: جامعه نزد ماست. ابوبصیر پرسید جامعه چیست؟ ایشان فرمودند: کتابی است که در آن هر حلال و حرامی و هرچه که مردم نیازمند آن هستند حتی ارش خراش نیز وجود دارد ...»

۱-۱-۲- دیه در لغت^۲

آنچه از کتب لغت استفاده می‌شود این است که دیه، به کسر «دال» و تخفیف «یاء»، مصدر است که این کلمه از ریشه «ودی» به معنای پرداختن خونبهاست گرفته شده است و در جایی دیگر به معنای راندن و رد کردن می‌باشد. و همچنین دیه را عقل نیز معنی کرده‌اند. زیرا یکی از معانی عقل «منع» است و دیه مانع جرأت بر ارتکاب جنایت می‌گردد. در برخی موارد دیه به معنی دم و خون نیز آمده که، «نامگذاری مسبب است به اسم سبب آن.»^۳

شیرازی در مذهب می‌نویسد: «الدية بالكسر، حق القتل و الهاء عوض من الواو ...»^۴

دیه با کسر، حق کشته شده‌ها است و ها به جای واو می‌باشد و جمع آن دیات است که دیگر لغت - شناسان نیز در کتب لغت خود آنرا به همین معنی آورده‌اند.

فقهای مذهب مالکی بدون آنکه تعریف دقیق از دیه به عمل آورند آنرا به معنی عقل دانسته و از این جهت پرداخت‌کننده‌ی دیه را عاقله خوانده‌اند.^۵ واژه دیات جمع دیه است که فرهنگ‌نویسان و فقهای اسلامی برای آن معانی متعددی ذکر کرده‌اند.

الف - جوهری می‌گوید: دیه مفرد دیات است و در آن عوض «واو» آمده است. «و دیت القتل الدية» یعنی دیه مقتول را پرداختم.

ب - مرحوم دهخدا می‌نویسد: «دیه مالی است که بدل نفس مقتول به ولی او داده می‌شود و از باب تسمیه به مصدر است... و به فارسی آنرا خونبها می‌گویند و عوام پول خون نیز می‌گویند.»^۱

۱ همان، ۲۷۲.

۲- blood money

۳- شیخ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، چاپ هفتم (فم: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۸)، ۴۲، ۲.

۴ - ابن اسحاق شیرازی، المهدب، چاپ اول، (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳)، ۲۳، ۴.

۵ - عوض احمد ادريس، الدیه بین العقوبه والتعویض، چاپ اول، (بیروت، دارالمکتبه الهلال، ۱۹۸۶)، ۲۰.

ج - دکتر معین در فرهنگ خویش دیه را به معنای خون‌بها، خون تاوان، تهاوتر، تعادل، بدهی و طلب و... می‌داند.^۲

همچنین در آخر این بحث به ذکر لغاتی مترادف با دیه می‌پردازیم که از این قرار است:

الف - عقل: یکی از لغات مترادف با دیه عقل است. ابن منظور در این زمینه می‌گوید: «و العقل فی کلام العرب، الدیة سمیت عقلاً لَانَّ الدیة کانت عند العرب فی الجاهلیة ابلاً، لانها کانت اموالهم، فسمیت الدیة العقلاً لان القاتل کان یکلف ان ینسوق الدیة الی فناء ورثه المقتول فیعقلها بالعقل و تسلیمها الی اولیائه و اصل العقل مصدر (عقلت البعیر بالعقال اعقله عقلاً) و هو حبل تننی به ید البعیر الی رکبته فتشدُّ به...»^۳

تسمیه دیه به عقل بدان جهت بود که در جاهلیت شتر به عنوان اصلی‌ترین اموال مردم آن روزگار شمرده شده و قاتل موظف بوده که شتر دیه را در آستانه خانه ورثه مقتول آورده و با ریسمانی که به آن عقال می‌گفتند ببندد از این رو مصدر عقل که در اصل به معنای بستن عقال است به تدریج بر خود معقول اطلاق گردید و در اثر کثرت استعمال در زبان عرب به هر چه که به عنوان دیه پرداخت می‌شود حتی درهم و دینار، عقل گفته می‌شود...»

ب - مِلَّة: دومین لفظ مترادف دیه در کتب لغت می‌باشد که در لسان فقها کمتر از آن استفاده شده است لذا در لسان العرب آمده است که: «المِلَّة: الدیة و المِلل: الدیات»^۴.

۱ - لغت نامه دهخدا، ذیل «دیه»

۲ - فرهنگ فارسی معین، ذیل «دیه»

۳ - ابن منظور، منبع پیشین، ۴۶۱

۴ - همان، ۶۳۱

۱-۱-۳- حکومت در لغت^۱

واژه‌ی حکومت و مشتقات آن، در معانی متعددی به کار رفته است که از آن جمله معانی حکم دادن، فرمان دادن، فرمانروایی و داوری می‌باشد. در فرهنگ صبا حکومت به معنای «حکم دادن و فرمان دادن است»^۲ و دکتر جعفری لنگرودی از آن به معنای «فرمانروایی و داوری سخن به میان آورده است»^۳.

دکتر زراعت نیز معتقد است که: «حکومت به همان معنای ارش است». در جایی دیگر دکتر میرمحمد صادقی آنرا «خسارت قابل پرداخت»^۴ در برخی انواع ضرب و جرح می‌داند

همچنین واژه حکومت در برخی از روایات در معانی متعددی به کار رفته است که از آن جمله:

الف - حکم کردن و اعلام نظر کردن که واژه‌ی «يَحْكُم» به معنای مصدری آن است.

ب - مطلق دیده همان چیزی که در شرع مشخص شده است و در روایات متعددی به کار رفته است.^۵

همچنین از دیدگاه برخی از فقها حکومت اسم است برای اجتهاد، و به کار گرفتن اندیشه درباره‌ی حقی که مجنی علیه از جانی می‌خواهد.

گفتار دوم: تعاریف

۱-۲-۱- ارش در اصطلاح

۱ - government

۲- فرهنگ صبا، ذیل «حکومت»

۳- ترمینولوژی حقوق، ذیل «حکومت»

۴ - arbitration

۵- حسین میرمحمد صادقی، واژه نامه حقوق اسلامی، چاپ پنجم، (تهران: نسر میزان، ۱۳۷۶)، ۸۰.

۶- احمد حاجی ده آبادی، «قاعده ارش و حکومت در فقه امامیه و اهل سنت»، مجله فقه و حقوق، ۴، زمستان ۸۳، ۴۵.

در قانون مجازات اسلامی ایران تعریفی از ارش به عمل نیامده است و تنها در بعضی مواد قانونی به موارد تعیین ارش اشاره شده است، مثلاً در ماده ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی دقیقاً توضیح می‌دهد که «هر جنایتی که در عضو کسی وارد شود و شرعاً مقدار خاصی به عنوان دیه برای آن تعیین نشده باشد جانی باید ارش بپردازد.»

این ماده اختصاص به تعریف ارش و موضوع آن داشته و تأکید می‌کند که خون انسان نباید به هدر رود و جنایت علیه عضو نادیده گرفته شود و عضو معمولاً ظهور در اعضای مادی و ظاهری بدن همچون دست و پا و ... دارد. در حالیکه در موارد بعدی نشان می‌دهد در بسیاری از موارد زوال منافع نیز ارش تعیین گردیده است. و اما اصطلاح ارش در بین فقهای امامیه و عامه دارای تعاریف متعددی می‌باشد که به بعضی از این تعاریف اشاره می‌نماییم، در ضمن ذکر این نکته نیز ضروری است که اصطلاح ارش، اصطلاحی مشترک در فقه و حقوق در باب معاملات و دیات است که ما در این پایان نامه به بحث در مورد ارش مربوط به دیات و مقررات کیفری می‌پردازیم و ارش در باب معاملات مد نظر ما نیست و در اینجا فقط به آن اشاره‌ای خواهیم نمود.

۱-۱-۲-۱- ارش در باب معاملات

علاوه بر ارش جزایی، ارش دیگری نیز به نام ارش مدنی وجود دارد. ارش مدنی، تفاوت قیمت صحیح و معیوب کالا است و ماده ۴۲۷ قانون مدنی نحوه محاسبه آن را چنین بیان می‌کند که «اگر در مورد ظهور عیب مشتری اختیار ارش کند تفاوتی که باید به او داده شود به طریق ذیل معین می‌گردد:

ارش در باب معاملات در جایی است که، کالا معیوب در آمده و مشتری می‌خواهد، ارش یعنی تفاوت قیمت را بگیرد؛ در این صورت کالا را یک‌بار در حالی که فرضاً صحیح و سالم است و بار دیگر به همان حالت معیوب قیمت می‌کنند و نسبت میان آن دو قیمت را به دست می‌آورند و به همان نسبت از اصل ثمن المسمی کم می‌کنند^۱». چنانکه ماده ۴۲۹ قانون مدنی نیز اشاره دارد و مقرر می‌نماید که:

«اگر بعد از معامله ظاهر شود که مبیع معیوب بوده مشتری مختار است در قبول مبیع معیوب با اخذ ارش یا فسخ معامله.»

۱ - علیرضا فیض، مبادی فقه و اصول، چاپ دوازدهم (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰)، ۲۷۱.

البته این تعاریف در حوزه مربوط به اموال است و ربطی به خسارت‌های جسمانی ندارد ولیکن فقها از ملاک آن برای ارزش کیفی نیز استفاده نموده‌اند.

۱-۲-۱-۲-۱-۲-۱ ارش در باب دیات

همانطور که اشاره شد تعاریف مختلف از ارزش در باب دیات از زبان فقهای شیعه و اهل سنت ارائه شده است که در ذیل به بیان برخی از آنها خواهیم پرداخت..

۱-۲-۱-۲-۱-۱ امامیه

اکثر فقهای شیعه این واژه را به معنای دیه جنایت بر مادون نفس که مقدار آن در شرع معین نشده است دانسته‌اند که مراد از آن دیه جنایت غیرمعین شرعی است مگر اینکه قرینه خاصی در میان باشد؛ ذکر این نکته ضروری است که مراد از جنایت، جنایتی است که باعث نقصان آدمی شود.

آیت الله خویی (ق س) در تکمله المنهاج می‌نویسد: «کل جنایة لامقدّر فیها شرعاً، ففیها الارش، فیؤخذ من الجانی ان کانت الجنایة عمدیة او شبه عمد و الا ضمن عاقلة و تعیین الارش بنظر الحاکم بعد رجوعه فی ذلک الی ذوی عدل من المومنین»^۱.

«هر جنایتی که دیه مقدر و معینی برای آن شرعاً در نظر گرفته نشده باشد جانی باید ارزش بپردازد، اگر عمدی یا شبه عمد باشد اما اگر خطای محض باشد عاقله جانی باید ارزش بپردازد و تعیین ارزش بعد از مراجعه و کسب نظر عدول مومنان می‌باشد.»

در الارشاد الاذهان علامه حلی می‌نویسد: «کل ما لا تقدیر فیه فیه الارش.»^۲ «هر جنایتی که میزان یا مقدار مشخصی برای آن در شرع نیست در آن ارزش است.»

«ارش که اصل آن به معنای فساد است در اصل بر فساد بین قوم اطلاق می‌شود ولی در فساد و نقصان اعیان نیز استعمال شده و بدین معنا است که مشتری وقتی متوجه شد مبیع عیب دارد ما به التفاوت

۲- سیدالقاسم خویی، مبانی تکمله المنهاج، (تحف اشرف، انتشارات مطبعة الآداب، ۱۳۸۵)، ۲، ۲۱۲.

۱- علامه حلی، الارشاد الاذهان، چاپ اول (قم: مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق)، ۲، ۲۳۶.

سالم و معیوب را از بایع می‌گیرد مانند ارش‌های جنایات، چون این ارش‌ها جبران‌کننده نقص حاصل در انسان است».

۱-۲-۱-۲-۲-۱-۲-۱ اهل عامه

برخی از دانشمندان اهل عامه می‌گویند ارش به معنای دیه جنایت مادون نفس است اعم از آنکه مقدار آن در شرع معین شده یا نشده باشد از این رو ارش را به دو قسم، ارش مقدر و ارش غیرمقدر تقسیم نموده‌اند و برای ارش غیرمقدر گاه واژه حکومت را به کار برده‌اند. به اعتقاد فقهای حنفیه، مالی که به سبب قتل نفس واجب می‌شود دیه، و مالی که در مقابل جراحت بر عضوی از اعضاء واجب می‌شود ارش نامیده می‌شود. ولی مذاهب دیگر اهل سنت تفاوت میان دیه نفس و دیه عضو نگذاشته‌اند و نام دیه را بر هر دو اطلاق کرده‌اند^۱.

همچنین می‌توان گفت ارش به عنوان اصطلاحی در مبحث دیات مالی است که در جروح و جنایات خفیف‌تر از قتل باید پرداخت گردد و بدین ترتیب اصطلاحی اخص از دیه است. دیگر تفسیر ویژه از اصطلاح ارش، برداشت برخی از فقیهان مالکی است که آن را تنها برای دیه جرح نسبت به غیر حر (بردگان) می‌دانند^۲.

به طور کلی با توجه به آنچه در این گفتار بیان شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که ارش در اصطلاح فقهای شیعه دارای شرایطی است که از آن جمله موارد ذیل می‌باشد:

الف - جنایتی صورت گرفته باشد.

ب - جنایت بر مادون نفس باشد.

ج - جنایت باعث نقصان شده باشد.

د - دیه آن در شرع تعیین نشده باشد.^۳

۲- عوض احمد ادریس (علیرضا فیض)، دیه، چاپ دوم (تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷)، ۲۷.

۳- دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ذیل «ارش»

۱- احمد حاجی ده آبادی، «قاعده ارش و حکومت در فقه امامیه و اهل سنت»، ۴۴.

۲- سوره نساء، ۹۲.

پس می‌توان چنین گفت که ارزش عبارت است از مالی که به سبب جنایت بر مادون نفس واجب گردیده و مقدار آن از طرف شارع معین نگردیده است.

۱-۲-۲- دیه در اصطلاح

دیه در قرآن کریم به صراحت آورده شده و جزء نصوصی است که در آن شک و شبهه وجود ندارد. خداوند متعال علاوه بر توجه به شخصیت انسان برای بدن وی نیز ارزش و اهمیت خاصی قائل است، همچنانکه در آیه ۹۲ سوره نساء آمده است: «و ما کان لمومن ان یقتل مومنا الا خطا و من قتل مومنا خطا فتحریر رقبه و دیه مسلمة الی اهله...»^۲

«هیچ مومنی را نرسد که هیچ مومنی را به قتل رساند مگر آنکه به خطا مرتکب آن شود و در صورتی که به خطا مومنی را مقتول ساخت باید به کفاره این خطا بنده مومنی را آزاد کند و خونبهای آن را به صاحب خون تسلیم نماید مگر آنکه دیه را به ورثه قاتل ببخشد و اگر این مقتول با آنکه مومن است از قومی است که با شما دشمن است در این صورت قاتل دیه...»

درآیه دیگری از این سوره نیز خداوند کریم می‌فرماید:

«و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس و العین بالعین و الانف بالانف و الاذن بالاذن و السن بالسن و الجروح قصاص فمن تصدق به فهو کفارة له»^۱.

«و بر آنان (بنی اسرائیل) در تورات نگاشتیم که جان در برابر جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان و هر زخمی را قصاص است پس اگر کسی آن را ببخشد این بخش کفاره او می‌باشد.»

با توجه به مطالب فوق از قرآن کریم و روایات متعدد روشن می‌شود که، دیه در قرآن صراحتاً ذکر شده و نصّ قرآن است و با در نظر گرفتن اینکه در زمان پیامبر حکم دیه صادر گشته معلوم می‌شود، در جواز اخذ دیه بر نفس یا اعضاء و جوارح جای هیچ شک و شبهه‌ای نمی‌باشد همچنانکه در کتاب جواهر الکلام نوشته شده است: «المال الواجب بالجناية علی الحر فی النفس او مادونها سواء کان له

۳- سوره مائده، ۴۵

مقدر اولاً و إن كان ربما اختصت بالاول و الثانى بالارش و الحكومة^۱ «دیه مال واجبی است که به سبب جنایت نفس بر عهده جانی می‌باشد که ممکن است بر نفس یا کمتر از آن باشد و فرق نمی‌کند مقدار مال معین شده باشد یا خیر، اگر چه گاهی نوع معین را دیه و غیرمعین را ارش می‌گویند».

امام خمینی «رحمة الله علیه» در تحریر الوسیله نیز واژه دیه را این چنین تعریف می‌نماید: «هی المال بالجنایة علی الحرّ فی النفس او مادونها؛ سواء كان مقدرًا اولاً، و بما یسما غیر المقدر بالارش ...^۲» «مالی که بدل از نفس است و از طرف شارع برای جنایت اعم از نفس و مادون آن تعیین شده است و معنای آن بر ارش نیز اطلاق می‌شود».

همچنین در مبانی تکمله المنهاج آمده است: «الدیه هی المال المفروض فی الجنایه علی النفس او الطرف او الجرح او نحو ذلك^۳». «دیه مالی است که در صورت وقوع جنایت بر نفس و یا اعضای بدن و یا ایراد جرح باید ادا شود»، بنابراین از آنچه گذشت بدست می‌آید، مالی که عوض نفس مقتول به ولی او داده می‌شود دیه نام دارد.

به طور کلی دیه در اصطلاح فقها، عبارت است از: «مالی که به سبب جنایت بر نفس یا عضو واجب می‌شود چه آنکه میزان آن در شرع مشخص شده یا نشده باشد، گاهی دیه فقط در مواردی که در شرع مقدر شده اطلاق می‌شود و آنچه که مقدر نشده است ارش یا حکومت می‌نامند^۴».

همچنین در فصل اول قانون مجازات اسلامی، دیه به عنوان مجازات اصلی اعلام شده و در ماده ۱۵ به تعریف آن پرداخته شده است که بدین شرح می‌باشد:

«دیه مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین گردیده است».

۱-۲-۳- حکومت در اصطلاح

اصل کلی در شریعت اسلامی که مورد اتفاق همه مسلمانان است این می‌باشد که هر نوع تلف یا جنایتی که پیامبر (ص) دیه آن را معین نکرده به طریق حکومت تعیین می‌شود که، «حکومت مقداری است که

۱- محمدحسن نجفی، منبع پیشین، ۲

۲- الامام الخمینی، مستند تحریر الوسیله، (قم، مطبعه الخیام، ۱۴۰۱)، ۳.

۳- سیدابوالقاسم خوئی، منبع پیشین، ۱۸۶

۱- اصغر احمدی موحد، اجرای احکام کیفری، چاپ اول، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳ش)، ۲۵۹